

آثار منتنبی و سعدی

حصر و محدودسازی اندیشه بشری درون یک ملت، سوای ملت‌های دیگر، امکان‌پذیر نیست. فرهنگ بشری نیز هیچ‌گاه تسلیم معیارها و ملاک‌های تحمیل‌شده نظام‌های سیاسی نبوده است. امروزه زبان و اندیشه، فراتر از مرزها و ملتی خاص، در ملت‌ها و جوامع مختلف، که در سایه جهانی شدن، در حال تبدیل به دهکده جهانی هستند، رخنه و نفوذ می‌کند. کسی که با تاریخ ادبیات‌های برجسته جهان آشنا باشد، به خوبی می‌داند که این تاریخ ادبیات‌ها در حرکتی مستمر، فراتر از مرزها و محدوده‌های جغرافیای سیاسی حرکت کرده و به ادبیات‌های دیگر می‌پیوندد تا بر آنها اثر گذارد یا از نتایج و ثمرات آنها خوشه‌چینی کند و با نقد و بازنگری در خود، آنچه را که از دیگران وام گرفته است، هضم نماید و گونه‌های ادبی خود را اصلاح کند.

عصر نهضت در هر ادبیاتی صاحب این ویژگی است؛ به گونه‌ای که در ادبیات‌های دیگر امتداد و گسترش یافته و با میراث ادبیات جهانی پیوند می‌خورد و نخبگان و روشنفکران از ثمرات و دستاوردهای آن بهره می‌گیرند تا میراث کهن این ادبیات را با این ثمرات جاودانه کامل سازند.

از دیرباز، اعراب و ایرانیان، به دلیل همجواری، با هم در تعامل و ارتباط بوده‌اند؛ به‌ویژه بعد از گسترش اسلام، که این تعامل در بسیاری از زمینه‌های فکری و ادبی توسعه یافت و دو ملت را به هم نزدیک‌تر کرد و به دستاوردهای بسیاری منتهی شد؛ به طوری که در دوره‌های طلایی تاریخ ادبیات عرب، ادبیات اثرگذاری همچون ادبیات فارسی نمی‌توان سراغ گرفت؛ همچنان که در تاریخ ادبیات فارسی نیز ادبیاتی اثرگذارتر از ادبیات عرب نمی‌توان یافت.

این پیوند و تعامل ادبی میان دو طرف، خود زمینه و عرصه پژوهش و تحقیق ادب‌پژوهان ایرانی و عرب بوده است؛ به گونه‌ای که به مقایسه

علی‌محمدی*



* الحکمة بین المتنبی و سعدی: دراسة مقارنة.

* صادق عسکری.

* چاپ اول، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ۱۳۸۷.

از دیرباز، اعراب و ایرانیان، به دلیل همجواری، با هم در تعامل و ارتباط بوده‌اند؛ به‌ویژه بعد از گسترش اسلام، که این تعامل در بسیاری از زمینه‌های فکری و ادبی توسعه یافت و دو ملت را به هم نزدیک‌تر کرد و به دستاوردهای بسیاری منتهی شد؛ به طوری که در دوره‌های طلایی تاریخ ادبیات عرب، ادبیات اثرگذاری همچون ادبیات فارسی نمی‌توان سراغ گرفت؛ همچنان که در تاریخ ادبیات فارسی نیز ادبیاتی اثرگذارتر از ادبیات عرب نمی‌توان یافت

آثار و رویکردهای ادیبان و شاعران دو ملت پرداخته‌اند تا اثرگذاری و اثرپذیری آنان را تشریح و بررسی کنند. مقایسهٔ ملک‌الشعرا محمدتقی بهار و امیرالشعرا احمد شوقی، پروین اعتصامی با نازک‌الملانکه، معرفی ایوان مدائن از دیدگاه بحرتری و خاقانی، مقایسهٔ ارداویرافنامه و رسالهٔ الغفران ابوالعلاء معری، نمونه‌هایی از این دست هستند.

موضوع این کتاب نیز که بر همین روش و رویکرد شکل گرفته، بررسی تطبیقی مضامین حکمی در آثار متنبی و سعدی است. ابوالطیب احمد بن حسین، معروف به متنبی، در نیمهٔ اول قرن چهارم قمری/دهم میلادی می‌زیسته است. او به بغداد، حلب، مصر و شیراز سفر کرد و یکی از برجسته‌ترین شاعران عصر خود در ادبیات عرب شد. مصلح بن عبدالله، معروف به سعدی شیرازی، در اوایل قرن هفتم قمری/سیزدهم میلادی در شیراز به دنیا آمد. در جوانی به عراق رفت و در آنجا درس خواند؛ سپس به شام و سرزمین‌های اسلامی دیگر سفر کرد و سرانجام با کوله‌باری از تجربه‌ها و اندوخته‌های علمی و ادبی به شیراز بازگشت و پرآوازه‌ترین شاعر عصر خود و بلکه تمام اعصار ادبیات فارسی شد. اقامت این دو شاعر در سرزمین‌های یکدیگر، نشان می‌دهد که تعامل دوسویهٔ ادبیات عربی و فارسی مجال آشنایی و دانش‌اندوزی را برای شاعران و ادیبان دو ملت فراهم ساخته بود تا از فرهنگ و تاریخ یکدیگر بهره‌گیرند.

دربارهٔ پیشینهٔ پژوهش در موضوع کتاب حاضر، سه کتاب قابل اشاره است، که از این سه، دو اثر در ایران منتشر شده است و یکی در مصر؛ متنبی و سعدی و مآخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی، تألیف حسینعلی محفوظ (روزنه، ۱۳۷۷) یکی از آنهاست. مؤلف در این اثر ضمن شرح حال متنبی و سعدی و وضع دیوان متنبی در ایران تا اواسط قرن هشتم، اثرپذیری سعدی از اشعار متنبی را بازگو می‌کند. اثر دیگر که در ایران منتشر شده، کتاب سیر شعر و ادب از دوران قبل از اسلام عرب تا پایان دورهٔ عباسی و مقایسهٔ افکار سعدی و متنبی، تألیف سید امیرمحمود انوار (انوار دانش، ۱۳۸۰)، که طی آن، نگارنده ضمن بررسی وضع شعر عرب در دورهٔ جاهلیت و دوران اسلامی، کوشیده است به

کتاب حسینعلی محفوظ با ذکر شواهدی پاسخ دهد. وی معتقد است که مضامینی که در شعر سعدی وجود دارد، در شعر شاعران پیش از متنبی نیز به کار گرفته شده است. کتاب دیگر، الاثر العربی فی ادب سعدی الشیرازی، تألیف امل ابراهیم است. وی معتقد است: «اگرچه سعدی از برخی از اشعار متنبی متأثر بوده است، اما این عیبی بر او محسوب نمی‌شود؛ زیرا با جان تازه بخشیدن به صورت‌های شعری، به نوآوری در آنها پرداخته است. دیگر اینکه اثرپذیری سعدی، به شخصیت متنبی محدود نبوده؛ بلکه توأمان از میراث عظیم ادبیات عربی و اسلامی متأثر بوده است؛ همچنان که این مفاهیم قبل از متنبی نیز متداول و رایج بوده است» (عسکری، به نقل از امل ابراهیم، ص ۲). در آثار دیگر نیز، از جمله در کتاب چکامه‌های متنبی (هرمس، ۱۳۸۴)، موسی اسوار ضمن ذکر نمونه‌هایی از اثرپذیری سعدی از متنبی، می‌نویسد: «سعدی چه در نظم، چه در نثر، بسیاری از مضامین متنبی را اقتباس کرده یا از او ملهم شده و کلیات او شاهد صدقی بر این پردازش شیرین است» (متنبی، ص ۲۴).

صادق عسکری، مؤلف کتاب، صاحب دانشنامهٔ دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات عرب از دانشگاه فرانسوی سنت ژوزف لبنان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه سمنان در رشتهٔ زبان و ادبیات عرب است. وی مدیرمسئول مجلهٔ دراسات فی اللغة العربیة و آدابها - مجلهٔ مشترک با دانشگاه تشرین سوریه - و مدیر گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه سمنان نیز هست.

مؤلف برای مشخص کردن موضوع مورد بحث خود، ابتدا مفهوم موردنظر خود از حکمت را تبیین کرده است. وی می‌نویسد: حکمتی که برای این پژوهش در نظر گرفته‌ایم، همان حکمت عملی است؛ یعنی عبارت موجزی که بیانگر تجربه‌ای از تجارب زندگی، یا اندوخته و آموخته‌ای از زندگی باشد و معمولاً هدف آن، موعظه و پند است. حکمت، عصاره و جوهرهٔ اندیشهٔ متفکران و نتیجهٔ تجارب آنان است، که در تهذیب و اصلاح جوانان، با آراسته شدن به نمونه‌های آرمانی و مکارم اخلاقی، اثرگذار می‌شود. چه بسا این گونه حکمت واقعی به صورت سحرآمیزی عمل کند و چیزی را محقق سازد که ده‌ها کتاب اخلاقی و اجتماعی از آن عاجز باشند. اینجاست که جایگاه حکمت در شعر مشخص می‌شود (بنگرید به: عسکری، ص ۲).

عسکری علت انتخاب متنبی و سعدی، از میان مشاهیر ادب و شعر عربی و فارسی، برای پژوهش خود را جایگاه والای این دو در طرح مضامین حکمی می‌داند. متنبی در مقام شاعر حکم و امثال شهرت یافته است. مضامین حکیمانهٔ پرسامد وی در اشعار مدح و رثایش، مؤید این ادعاست و بسیاری از بزرگان ادب، نظیر حاتمی و صاحب بن عبّاد، به تحقیق و شرح اشعار وی همت گماشته‌اند. در حقیقت، این مضامین حکیمانه در سروده‌های متنبی، یکی از مهم‌ترین عوامل نشر و گسترش شعر او و شهرت و آوازه‌اش در میان مردم و تمایل آنان به شاهد گرفتن اشعار وی در اعصار مختلف بوده است.

همین ویژگی‌ها دربارهٔ سعدی نیز صدق می‌کند؛ به طوری که اشعار حکمی و امثال در آثار وی، به‌ویژه گلستان و بوستان، در میان مردم نقل شده و دهان به دهان می‌گردد. این امثال و حکم چنان در رشته‌های شعر و قالب‌های نثر، زیبا و دلپسند انتظام یافته است که خواننده را مجذوب خود می‌کند. یکی از اشعار حکیمانهٔ سعدی

که بشریت را به برادری، همکاری و نیکوکاری دعوت می‌کند، چنان آوازه‌ای یافته که بر سردر سازمان ملل متحد نقش بسته است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

گستره پژوهش مؤلف در رصد و بازشناسی مضامین حکیمانه در آثار دو شاعر، شامل دیوان متنبی و آثار سعدی بوده است، که در دیوان متنبی، چنان که خود متذکر می‌شود، با مشکلی روبه‌رو نبوده؛ اما در بررسی و تفحص آثار سعدی با مشکل مواجه بوده است؛ زیرا سعدی، برخلاف متنبی، صاحب آثار متعدد نظم و نثر به فارسی و عربی است. وی درباره نحوه گزینش آثار سعدی برای این پژوهش یادآور می‌شود که از سویی نمی‌خواسته است متون نثر حکمی سعدی را از این پژوهش خارج کند؛ زیرا این امر اقتضا می‌کرد که تقریباً گلستان از چارچوب پژوهش خارج شود، که این مسئله مانع دست‌یابی به هدف موردنظر در این کتاب بود؛ چرا که گلستان از مشهورترین مجموعه‌های حکمی سعدی به شمار می‌رود؛ از سوی دیگر، مؤلف برای اینکه عمق و دقت نظر را در کار فدای سطحی‌نگری نکند، کار خود را به بوستان، گلستان و اشعار محدود کرده است.

مهم‌ترین پرسش‌های بنیادی که مؤلف بر آن بوده است در این اثر بدانها پاسخ دهد، عبارتند از: علل بنیادی که موجب شد متنبی و سعدی بیش از شاعران دیگر، به این موضوع توجه و اهتمام داشته باشند، چیست؟ آیا محیط و عصر دو شاعر در گرایش آنان به حکمت و موعظه نقش داشته است؟ اثرگذاری زندگی و شخصیت دو شاعر در این امر چقدر است؟ منابع و آبخورهای حکمی در حکمت این دو چیست؟ میزان اثرپذیری‌شان از آبخورهای یونانی، فارسی و عربی تا چه حد است؟ اهتمام دو شاعر به حکمت در اشعارشان از سویی و در زندگیشان

از سوی دیگر چقدر بوده است؟ هدف متنبی و سعدی از سرودن ابیات حکیمانه چه بوده است؟ مهم‌ترین مضامین حکیمانه‌ای که دو شاعر بدانها پرداخته‌اند، کدام است؟ اسلوب حکمت و قالب ادبی آن از نظر دو شاعر چگونه است؟ ویژگی‌های هنری (موسیقایی و زبانی) و جنبه‌های بلاغی ابیات حکمی چیست؟ اسلوب حکمت و اسلوب کلی دو شاعر چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟ و سرانجام اینکه مهم‌ترین وجوه همانندی و اختلاف متنبی و سعدی در زمینه عوامل اثرگذار، مضامین، اهداف و اسلوب‌ها چیست؟ پاسخ به این پرسش‌های محوری و نیز پرسش‌های ثانوی دیگر، اساس این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

کتاب از مقدمه، بخشی با عنوان «ارزیابی منابع و مراجع»، درآمد: نگاهی تاریخی به حکمت نزد اعراب و ایرانیان پیش از متنبی و سعدی، ۵ باب، کتابنامه و نمایه سامان یافته است. هر باب نیز خود از مقدمه، ۲ فصل و خاتمه تشکیل شده است.

مؤلف در باب نخست به اختصار عصر متنبی و عصر سعدی را مقایسه کرده است تا عوامل اثرگذار بر گرایش دو شاعر به حکمت و نقش ویژگی‌های روحی و فکری آنان در این امر را بازشناسد. وی در فصل اول عوامل اثرگذار زمانی و مکانی دو شاعر، از جمله شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی و فکری را بررسی کرده است. به باور مؤلف اوضاع اجتماعی عصر سعدی تا حد زیادی همانند اوضاع اجتماعی عصر متنبی بوده است. این امر درباره شرایط سیاسی دو شاعر نیز صدق می‌کند؛ اما به باور مؤلف، عاملی را که موجب شده بود روح و اخلاق متنبی و سعدی تا حد زیادی با هم متفاوت باشد، باید در روح حاکم بر زمانه جست. روح حاکم در عصر متنبی، روح حماسه، و روح حاکم در عصر سعدی، روح تسلیم بود. مؤلف برای اثبات اثرگذاری روح حماسی در اشعار متنبی، به این شعر او استناد می‌جوید:

فاطلم العزّ فی لظی و ذر الذلّ

ل و لو کان فی جنان الخلود (عسکری، ص ۸۹)

«پس در آتش دوزخ نیز عزت بجوی و از خواری روی بتاب؛ حتی اگر در بهشت جاودان باشی».

برای اثبات اثرگذاری روحیه تسلیم در اشعار سعدی نیز به این ابیات اشاره می‌کند:

گر از فتنه آید کسی در پناه

ندارد جز این کشور آرامگاه

تو در سیرت پادشاهی خویش

سبق بردی از پادشاهان پیش

سکندر به دیوار رویین و سنگ

بکرد از جهان راه یا جوج تنگ

تو را سد یا جوج کفر از زر است

نه رویین چو دیوار اسکندر است (عسکری، ص ۹۱).

در فصل دوم این باب، «عوامل اثرگذار شخصیتی متنبی و سعدی»، ابتدا استادان دو شاعر و مسیر فرهنگی این دو و چگونگی اثرگذاری این عوامل بر حکمتشان تشریح شده است. مؤلف در مبحث «سعدی و دیوان متنبی»، اثرپذیری سعدی از متنبی را با ذکر دلایلی بازگو کرده (بنگرید به: ص ۱۳۲ - ۱۳۵) و به نمونه‌ای از اثرپذیری شاعر ایرانی از شاعر عرب اشاره می‌کند:

به‌سمع خواجه رسید گویی این معنی

مؤلف درباره تأثیر منابع فارسی بر حکمت متنبی، آن را به دو مرحله تقسیم می‌کند؛ مرحله اول، دوره‌ای است که میراث حکمی ایرانیان در فضای ادبی عربی از زمان عصر عباسی اول رواج یافت؛ مرحله دوم، سفر متنبی به سرزمین فارس و زندگی در سایه حکومت آل بویه است که موجب شد وی خود را با شرایط آن وفق دهد و با منابع فرهنگی و ادبی ایرانیان انس گیرد و آنها را به خاطر بسپارد

مؤلف درباره تأثیر منابع فارسی بر حکمت متنبی، آن را به دو مرحله تقسیم می‌کند؛ مرحله اول، دوره‌ای است که میراث حکمی ایرانیان در فضای ادبی عربی از زمان عصر عباسی اول رواج یافت؛ مرحله دوم، سفر متنبی به سرزمین فارس و زندگی در سایه حکومت آل بویه است که موجب شد وی خود را با شرایط آن وفق دهد و با منابع فرهنگی و ادبی ایرانیان انس گیرد و آنها را به خاطر بسپارد

نویسنده در تحلیل آماری مضامین حکمی در آثار سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، موعظ و رسائل نثر) به این نتیجه می‌رسد که بیش از ۶۰ درصد از حجم کل آثار سعدی، شامل مضامین حکمی است که در مقایسه با مضامین حکمی متنّبی، بسیار بالاست. وی همچنین از جنبه دیگری نیز اهتمام دو شاعر به حکمت را بررسی کرده و آن، معرفی و بررسی تعداد منظومه‌های کاملاً حکمی دو شاعر است که به باور مؤلف، سعدی در مقایسه با متنّبی، صاحب منظومه‌های حکمی بیشتری است

به ثروت و قدرت بهره‌بردار» (ص ۳۰۰).

اما به باور مؤلف، سعدی برخلاف متنّبی عمل کرده است؛ به طوری که خواننده آثار او، خود را در برابر شیخی واعظ می‌بیند که از هر فرصتی برای اندرزگویی و ارشاد استفاده می‌کند. گاهی او عموم مردم را در حکایت‌های بوستان و گلستان پند می‌دهد؛ گاهی نیز در نامه‌هایش به امیران و وزیران، آنان را نصیحت می‌کند. همچنان که در مسجد دمشق و بعلبک بالای منبر رفته و با مردم در مقام یک خطیب و واعظ سخن می‌گوید.

موضوع فصل دوم باب سوم، کاربرد حکمت در اشعار و آثار متنّبی و سعدی است. مؤلف در این فصل طی چهار بخش نصیحت و ارشاد، عتاب و هجا، مدح و رثاء، و فخر و مباحث کوشیده است اهداف اصلی دو شاعر از کاربرد حکمت در اشعارشان را تبیین سازد. به اعتقاد وی، متنّبی و سعدی در اهدافشان با هم تفاوت بسیاری دارند؛ هدف اصلی متنّبی، همان مدح و در درجه دوم، فخر و رثاء برای مال‌اندوزی و کسب جاه و مقام است و زمانی که در این راه با مانعی روبه‌رو می‌شود، به عتاب، هجا، ذم و شکوی روی می‌آورد؛ اما سعدی از چنین اهدافی بسیار فاصله دارد. با اینکه او حکمت را در برخی از اهداف ثانویه خود، مثل عتاب و هجا به کار برده، هدف اصلی‌اش از حکمت، همان پند و موعظه است و در بوستان و گلستان اثری از به‌کارگیری حکمت با هدف مدح، فخر، هجا و رثاء وجود ندارد.

باب چهارم به مضامین حکمی متنّبی و سعدی اختصاص دارد. مؤلف در فصل نخست این باب کوشیده است فضایی را که دو شاعر در ابیات حکمی خود مورد توجه قرار داده‌اند، بازشناسی کند. جود و کرم، شجاعت و جسارت، صداقت و وفاداری، آزادی و بزرگ‌منشی، فروتنی، تدبیر و نیکویی رأی، قناعت و عدالت و انصاف، از جمله فضایی هستند که پژوهشگر بر آن بوده است تا به مقایسه رویکرد دو شاعر نسبت به آنها بپردازد.

فصل دوم باب چهارم نیز به رویکرد دو شاعر نسبت به انذار و هشدار به رذایل در اشعار حکمی دو شاعر اختصاص دارد. بخل و آزمندی، دنیاپرستی، غیبت و سخن‌چینی، تظاهر و ریا و غرور و خودبینی، از جمله رذایلی هستند که مؤلف در اشعار حکمی متنّبی و سعدی بدانها پرداخته است.

که خیر صلوات الکریم اعودها (عسکری، ص ۱۳۵)
سعدی مصرع دوم این بیت را از ابیات شعر متنّبی که در جوانی در مدح محمد بن عبیدالله سروده بود، اخذ کرده است:
فعد به لاعدمتها ابدأ

و خیر صلوات الکریم اعودها (عسکری، ص ۱۳۵)
در ادامه فصل دوم باب نخست، سفرها و تجارب و اخلاق دو شاعر و تأثیر آنها بر مضامین حکمی دو شاعر بررسی شده است.

موضوع باب دوم، بررسی منابع حکمت متنّبی و سعدی است. در فصل نخست، تأثیر منابع فرهنگی، از جمله منابع یونانی، فارسی و عربی، بر دو شاعر تحلیل شده است. مؤلف درباره تأثیر منابع فارسی بر حکمت متنّبی، آن را به دو مرحله تقسیم می‌کند؛ مرحله اول، دوره‌ای است که میراث حکمی ایرانیان در فضای ادبی عربی از زمان عصر عباسی اول رواج یافت؛ مرحله دوم، سفر متنّبی به سرزمین فارس و زندگی در سایه حکومت آل‌بویه است که موجب شد وی خود را با شرایط آن وفق دهد و با منابع فرهنگی و ادبی ایرانیان انس گیرد و آنها را به خاطر بسپارد. مؤلف در این‌باره دیدگاه‌های برخی از ادیبان و پژوهشگران، از جمله طه حسین، ادیب و منتقد مصری، را نیز ذکر کرده است. طه حسین معتقد است: «بی‌تردید اگر متنّبی اقامت طولانی‌تری در سرزمین ایران داشت و از شرایطی که در آنجا برایش فراهم بود، مثل آسایش، امنیت و نعمت، بیشتر استفاده می‌کرد، مکتب شعری‌اش به صورت جدی و قوی دگرگون می‌شد و امکان داشت که در شعر عربی هنر جدید خلق کند که سابقه نداشته باشد» (عسکری، ص ۲۰۲).

فصل دوم باب دوم به بررسی تأثیر منابع دینی بر حکمت متنّبی و سعدی اختصاص دارد. این منابع شامل مضامین قرآنی، سنت نبوی و علوی، مضامین یهودی و مسیحی است.

در باب سوم جایگاه حکمت و کاربرد آن در اشعار متنّبی و سعدی بررسی شده است. مؤلف در فصل نخست این باب، اشعار و مضامین حکمی دو شاعر را بازشماری کرده و طبق تعریفی که خود از مفهوم حکمت عرضه نموده است، اشعار حکیمانه متنّبی را ۳۵۰ بیت می‌داند که کمتر از ۱۰ درصد از کل ابیات دیوان وی را، که ۵۵۷۸ بیت است، در بر می‌گیرد.

عسکری در تحلیل آماری مضامین حکمی در آثار سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، موعظ و رسائل نثر) (بنگرید به: عسکری، صص ۲۸۷ - ۲۹۱) به این نتیجه می‌رسد که بیش از ۶۰ درصد از حجم کل آثار سعدی، شامل مضامین حکمی است که در مقایسه با مضامین حکمی متنّبی، بسیار بالاست. وی همچنین از جنبه دیگری نیز اهتمام دو شاعر به حکمت را بررسی کرده و آن، معرفی و بررسی تعداد منظومه‌های کاملاً حکمی دو شاعر است که به باور مؤلف، سعدی در مقایسه با متنّبی، صاحب منظومه‌های حکمی بیشتری است.

بخش دیگری از این فصل به بررسی این مسئله اختصاص دارد که اصولاً حکمت نزد متنّبی و سعدی وسیله است یا هدف؟ مؤلف در بررسی رویکرد متنّبی، به این نتیجه می‌رسد که حکمت از نگاه او بیشتر وسیله بوده است تا به ثروت و مقام برسد. وی بیشتر از هر چیزی، به شاعر مدح شهرت داشته و چنان که طه حسین معتقد است: «متنّبی فرد فرصت‌طلبی بوده که تلاش می‌کرده از هر وسیله‌ای برای رسیدن

باب پنجم به سبک‌شناسی و بررسی جنبه‌های هنری و قالب‌های ادبی، نظیر وزن، موسیقی، جنبه‌های بلاغی در اشعار حکمی اختصاص دارد. عسکری معتقد است که اوزان و بحور شعری ابیات حکیمانه متنبی با سایر اشعارش تفاوتی نمی‌کند. بحر طویل که از فراوانی انتشار در دیوان بیشترین اشعار را به خود اختصاص داده است، در ابیات حکمی نیز همین بحر در جای نخست قرار دارد. وی نتیجه تحلیل آماری خود درباره اینکه متنبی در هریک از بحور چند بیت حکمی سروده را در جدول زیر مشخص ساخته است:

بحور	ابیات	شعر	ابیات حکمی
طویل	۱۵۳۶	۶۷	۸۰
کامل	۹۴۳	۵۵	۳۲
بسیط	۸۳۷	۵۶	۴۵
وافر	۷۹۰	۵۳	۲۸
خفیف	۵۰۹	۲۶	۲۸
منسرح	۳۷۶	۲۱	۱۰
مقارِب	۳۱۵	۲۴	۹
رجز	۱۵۹	۹	۲
سریع	۶۰	۸	۲۰
محتث	۳۹	۱	-
رمل	۱۴	۳	-
جمع	۵۵۷۸	۳۲۳	۲۵۴

این ارقام نشان می‌دهد که حجم ابیات حکمی در هر بحر، تابع حجم سایر ابیات دیوان در این بحور است و ارتباطی استوار میان حکمت و اوزان شعری وجود ندارد. اما برخی از داده‌ها نشان می‌دهد که میان حکمت و موسیقی، برخی پیوستگی‌ها وجود دارد؛ به طوری که بیشتر ابیات حکمی متنبی، در اوزان و بحوری سروده شده است که با اغراض جدی و سنگین سازگاری دارد؛ مثل طویل، بسیط، کامل و خفیف.

اوزان و بحور شعری در حکمت سعدی و متنبی، با توجه به تفاوت‌های وزنی و سبک‌های شعر عربی و فارسی، متفاوت است. بوستان، که شامل حکایت‌های اخلاقی است، بیش از ۴۰۰ بیت دارد که همه آنها در قالب شعری واحدی به نام مثنوی سروده شده است. سعدی یکی از مشهورترین بحرهای فارسی، یعنی بحر مقارِب مَثَمَن محذوف، را در این اشعارش انتخاب کرده و از آغاز تا پایان بدان متعهد بوده است.

مؤلف در بررسی آماری اشعار فارسی به این نتیجه رسیده است که اگر بوستان را کنار بگذاریم، همانندی‌هایی میان اوزان شعری دو شاعر دیده می‌شود و این مسئله در اشعار عربی سعدی بیشتر است؛ به طوری که چهار بحر نخست اشعار عربی سعدی، از نظر فراوانی، همان بحرهای به‌کارگرفته‌شده در اشعار متنبی و حکمت او و بلکه در شعر عرب است؛ اما تعداد اشعار عربی سعدی بسیار اندک است؛ به طوری که از بیست شعر در کلیات سعدی فراتر نمی‌رود. از سوی دیگر، ابیات حکمی در این اشعار نیز محدود است؛ زیرا بیشترشان غزل است.

اما اشعار فارسی سعدی، چنان که گذشت، از حیث وزن و بحر با همتای عربی خود متفاوتند، که این مسئله به علم عروض، نظام وزنی و ویژگی‌های زبانی دو زبان بازمی‌گردد. برخلاف همانندی چهار بحر نخست اشعار عربی سعدی با چهار بحر نخست اشعار متنبی از حیث

فراوانی، چهار بحر نخست اشعار فارسی سعدی از حیث فراوانی، با اشعار خودش کاملاً متفاوت است. چهار بحر نخست در اشعار فارسی عبارتند از: مجتث، مضارع، رمل و هزج. جدول زیر فراوانی ابیات حکمی در اشعار سعدی را نشان می‌دهد:

بحور	ابیات	شعر	ابیات حکمی
مجتث	۷۶۲	۲۸	۱۶۰
مضارع	۳۲۶	۹	۱۳۰
رمل	۲۴۵	۹	۸۲
هزج	۱۳۳	۶	۴۰
خفیف	۷۸	۳	۴۷
سریع	۳۱	۱	۲۶
مقارِب	۲۱	۲	۴
منسرح	۱۹	۲	-
جمع	۱۶۱۵	۶۰	۴۸۹

در فصل دوم باب پنجم، جنبه‌های بلاغی (بیان و بدیع) اشعار حکمی دو شاعر بررسی و تحلیل قرار شده است. مؤلف در این فصل ابتدا بلاغت ایجاز، سپس صورت‌های بیانی نظیر تشبیه، استعاره، کنایه، و پس از آن صنایع بدیع، همانند طباق و جناس، را در این اشعار بازجسته و به بررسی تطبیقی آنها با یکدیگر پرداخته است. به باور وی، متنبی و سعدی چندان به کاربرد صنایع لفظی در اشعار حکمیشان اهمیتی نشان نداده‌اند؛ همچنان که استعاره و کنایه نیز در این اشعار، به دلیل عدم پیوند مستقیم این جنبه‌های بلاغی با حکمت، چندان به کار گرفته نشده است؛ اما ایجاز و تشبیه، به دلیل سازگاری و تناسبشان با حکمت و مضمون آن، در این اشعار بیشتر به کار رفته است.

مؤلف در پیوستی، جنبه‌های هنری و بلاغی گلستان را نیز بررسی کرده است.

فهرست منابع و مآخذ، نمایه اعلام و گروه‌ها، آیات، احادیث، امثال،

ابیات عربی و ابیات فارسی پایان‌بخش کتاب است.

کتاب حاضر نخستین پژوهشی است که مضامین حکمی دو شاعر پرآوازه ایران و عرب، یعنی متنبی و سعدی، را مقایسه و تحلیل می‌کند. از ویژگی‌های این اثر، بررسی جنبه‌های مختلف موضوع و واقع‌بینی مؤلف است که طی آن کوشیده است به عمق و ژرفای موضوع بپردازد و بدون تعصب نسبت به شاعر ایرانی یا حتی تنگ‌نظری نسبت به شاعر عرب، واقع‌بینانه دیدگاه‌های خویش را مطرح سازد، که کار وی از این جنبه ارزشمند و نمونه است؛ زیرا اغلب آثاری که در زمینه ادبیات تطبیقی عربی و فارسی به نگارش درآمده، کمتر به عمق موضوع پرداخته و بیشتر در سطح باقی مانده‌اند.

پی‌نوشت

* کارشناس خانه کتاب.

کتابنامه

- عسکری، صادق، ۱۳۸۷، *الحکمة بین المتنبی و سعدی: دراسته مقارنه*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
- متنبی، احمد بن حسین، ۱۳۸۴، *چکامه‌های متنبی: دیوان چندزبانه*. مقدمه، یادداشت‌ها و ترجمه به فارسی: موسی اسوار. ترجمه به انگلیسی: ای. جی. آربری. تهران: هرمس.